

## آغاز

جنبش‌های اجتماعی عموماً با ظهور غیرمترقبه و بسیج و حضور گسترده مردمی‌شان شناخته و با میزان تحقق وعده‌های مستقیماً سیاسی‌شان ارزیابی می‌شوند. ولی این جنبش‌های اجتماعی عموماً تأثیراتی بیش از اهداف و وعده‌های سیاسی اولیه خود در ابعاد گسترده‌تری از سیاست برجای می‌گذارند. جنبش‌های اجتماعی مردمی پیامدهای ناخواسته و غیرمستقیم به مراتب ماندگارتری از اهداف سیاسی خود دارند که از آن جمله تغییرات فرهنگ سیاسی و حتی اجتماعی و تأثیراتی است که بر سامان و سازمان نیروهای سیاسی می‌گذارند که عموماً از دیدها مغفول می‌مانند. ضمن آنکه هر جنبش اجتماعی تجربه‌ایست برای جامعه و جامعه سیاسی که در انبان جنبش‌های اجتماعی پس از آن اندوخته می‌شود. جنبش دوم خرداد نیز مستثنی این قاعده نیست. جنبش دوم خرداد هرچند بنظر به وعده‌های اولیه خود در گسترش جامعه مدنی و دموکراتیک‌تر کردن ساختار سیاسی نرسید ولی به واسطه فراگیری نیروها و جامعه‌ای که درگیر آن شد و گستردگی گفتار و مفاهیمی که وارد فضای سیاسی اجتماعی کرد، هم اثرات ماندگاری در فرهنگ سیاسی نخبگان و بینش و رفتار سیاسی جامعه گذاشت و هم فعالان سیاسی و سازمان‌های سیاسی‌ای خلق کرد که سازمان نیروهای سیاسی را تغییر داد. علاوه بر آن تجربه جنبش دوم خرداد نیز دستاورد گران سنگی در راه جامعه دموکراتیک‌تر و آزادتر می‌تواند باشد. تأثیرات عمیق جنبش دوم خرداد هم در ظهور روحانی بروشنی دیده می‌شود و هم تجربیات آن بکار دوام دولت روحانی می‌آید.

## ظهور روحانی

کمتر از سه هفته پیش از انتخابات پیمایش میدانی‌ای که در کل کشور توسط مرکز تحقیقات صداوسیما انجام شد نشان می‌داد روحانی با ۳٪ آرا همراه با غرضی کمترین شانس را برای کسب ریاست جمهوری یازدهم دارد. داده‌ها و مشاهدات هم در دوام پیش از انتخابات نشان از بی‌علاقگی بخش عمده‌ای از جامعه در مشارکت در انتخابات داشتند. اما تنها در کمتر از دو هفته، هم روحانی با اختلاف نسبتاً قابل توجه با دیگر رقبا به ریاست‌جمهوری رسید و هم بخش قابل توجهی از جامعه در انتخابات شرکت کردند. واقعیت این است که این اتفاق مرهون دو جنبش اجتماعی فراگیر اخیر ایران است. در زمانی که بسیاری فعالان سیاسی و اجتماعی دل‌آزرده و دلزده از اتفاقات پس از انتخابات دور پیشین بیشتر نظاره‌گر و بی‌عمل منتظر انتخابات بودند، جمعی حول خاتمی، رهبری معنوی جنبش دوم خرداد، گردآمده و برای انتخابات نودودو فعالیت می‌کردند. بیشتر این افراد نیز، هم در جنبش اصلاحات سیاسی شده بودند و هم خود را با آن جنبش تعریف می‌کردند. همین هسته تقریباً شکل یافته، پس از فراز و نشیب‌هایی که در ثبت نام و ردصلاحیت نامزدها صورت گرفت، اصرار بر ادامه حضور نیروهای سیاسی و مشارکت آن‌ها داشت. این به این معناست که نیروی شکل‌دهنده حامیان روحانی در میان نیروهای سیاسی هسته برآمده از جنبش دوم خرداد بود یا هسته‌ای بود که بیشترین دلبستگی را به جنبش دوم خرداد و اصلاحات داشت. در بدنه جامعه و در سطح خرد پذیرش انتخابات به عنوان یک تاکتیک برای تأثیرگذاری بر سیاست نیز برآمده از فرهنگ سیاسی دوم خرداد بود. پس از اتفاق‌های دور گذشته انتخابات ریاست جمهوری، پذیرش انتخابات به مثابه امکان پیگیری تغییر، برای گروه قابل توجهی از جامعه امر ساده‌ای نبود. اما باور به تغییرات اصلاح‌طلبانه، تدریجی و غیرخشونت‌آمیز که میراث فرهنگ و ادبیات سیاسی جنبش دوم خرداد بود هدایت‌کننده افراد در پذیرش مشارکت در انتخابات شد. بخش عمده‌ای از جامعه گزینه مقابل مشارکت در انتخابات را خارج از چارچوب فرهنگ سیاسی نهادینه شده پس از انتخابات می‌دید و هرچند با امیدی کم ولی برای تغییر مشارکت در انتخابات را ترجیح داد. مشارکت و کنش‌های پر دامنه افرادی که باور به اصلاح‌طلبی و شیوه‌ها و تاکتیک‌های همخوان با آن داشتند فضا را به نحوی تغییر داد که امکان اثربخشی شرکت در انتخابات در دید بسیاری افزایش پیدا کرد و بویژه اجماع اصلاح‌طلبان و حمایت خاتمی و هاشمی منجر به ظهور دولت روحانی شد.

## دوام دولت روحانی

اما در شرایط کنونی شاید مهم‌تر از ظهور روحانی دوام دولت او و پیشبرد وعده‌هایش باشد. تجربیات جنبش دوم خرداد و اصلاحات هشت ساله دوره ریاست جمهوری خاتمی مسلماً مهم‌ترین راهنمای روحانی، نیروهای سیاسی تغییرخواه و جامعه در این راه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های دولت اصلاحات، حفظ پشتیبانی نیروهای طرفدار و فعال جنبش دوم خرداد بود که رویگردانی آنها از دولت و حتی از کنش سیاسی عدم موفقیت سیاسی اصلاح‌طلبان را در انتخابات دهه هشتاد رقم زد. دولت روحانی

نیز برای پیشبرد شعارهای خود نیاز به تداوم پشتیبانی گروه‌های اجتماعی پشتیبان خود در انتخابات دارد: گروه‌های اجتماعی‌ای که خواهان تغییر در جهت دموکراتیک‌تر شدن جامعه و آزادی‌های سیاسی بیشتر هستند و گروه‌های اجتماعی که بدنبال بهبود وضعیت اقتصادی و رفع تهدیدهای بین‌المللی. آنچه که این گروه‌های اجتماعی را پشتیبان دولت و در صحنه عمومی و سیاسی اجتماعی حفظ خواهد کرد ادامه مشارکت سیاسی اجتماعی آن‌هاست. در اصلاحات دوم خرداد، مشارکت سیاسی گسترده محدود به انتخابات بود و اندک برنامه‌ای برای شیوه‌های دیگر مشارکت و حضور سیاسی جامعه در نظر گرفته نشده بود. مقاومت انحصارطلبان و اقتدارگرایان در مقابل اصلاحات و فقدان زمینه‌ها و فضاهای لازم برای مشارکت جامعه در تغییر و اصلاح بسیاری را از پیگیری پشتیبانی از خاتمی دلزده و دلسرد کرد. دولت روحانی باید از دوره هشت ساله دوم خرداد به خوبی بیاموزد که مشارکت سیاسی اجتماعی جامعه در شیوه‌های غیرمنحصر به انتخابات ضامن پویایی جامعه سیاسی و تضمین کننده پشتیبانی گروه قابل توجه اجتماعی و دوام دولت او خواهد بود.<sup>1</sup>

## انجام

دولت روحانی در زمینه فرهنگ سیاسی اصلاح‌طلبی و با پشتیبانی فعالان و رهبران سیاسی، سازمان‌ها و ساختارهای سیاسی پدید آمده در جنبش دوم خرداد ظهور کرد. دوام دولت او اما وابسته به بکارگیری از تجربیات آن جنبش است. دستاورد جنبش دوم خرداد گسترش و نفوذ ادبیات اصلاح‌طلبانه‌ای بود که موجبات پیروزی روحانی و پشتیبانی بسیاری را از او فراهم کرد ولی ضمانت دوام دولت او پیگیری اصلاحات با تداوم پشتیبانی مشارکت این گروه از جامعه است.

1- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: هنری، ع. (1393)، دولت و منشور حقوق شهروندی: غفلت از مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان، اندیشه پویا (12)